

تولید دانش و پزشکی دوران اسلامی

فرزانه زاهدی^۱، باقر لاریجانی*^۲، آزاده محبی^۳، محمدمهدی اصفهانی^۴

چکیده

طی دوران حکومت بزرگ اسلامی (قرون هفتم تا سیزدهم میلادی)، پزشکی به صورت شگفت‌انگیزی پیشرفت کرد و پزشکان مسلمان چشمگیرترین سهم را در این میان داشتند. این پیشرفت‌ها منشأ تجدید حیات پزشکی در غرب پس از رنسانس گردید. در حال حاضر، ما وارثان دانش بی‌نظیر نیاکانمان هستیم. اما برخی اندیشمندان معتقدند دیگر زمان آن پزشکی گذشته است؛ این در حالی است که عده‌ای دیگر بر این باورند که پزشکی دوران اسلامی یک پزشکی تجربی است که می‌تواند به‌عنوان منبع غنی دانش مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

این مقاله طی مروری بر متون، نقش پزشکی دوران اسلامی را در جریان روبه‌رشد تولید دانش مورد بررسی قرار می‌دهد. در ابتدا تاریخچه پزشکی در دوران اسلامی بطور مختصر مرور شده و در ادامه، طبیعت پزشکی اسلامی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نتیجه این‌که پزشکی سنتی در کنار توصیه‌های بهداشتی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) که پزشکی اسلامی نامیده شده، بطور قطع یک علم تجربی است و باید به‌عنوان موضوع تحقیق در محیط‌های دانشگاهی در کنار طب مدرن مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تاریخ پزشکی، پزشکی سنتی، پزشکی و مذهب، ایران باستان، اسلام.

۱- مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲- مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳- موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۴- موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران

*نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بیمارستان دکتر شریعتی، طبقه پنجم، کدپستی ۱۴۱۱۴۱۳۱۳۷؛ تلفن: ۳-۸۸۰۲۶۹۰۲، نمابر:

۸۸۰۲۹۳۹۹؛ پست الکترونیک: emrc@sina.tums.ac.ir

مقدمه

پیشرفت‌های چشمگیر علوم پزشکی در قرون اخیر در تاریخ تمدن بشری بی‌نظیر است. هر چند پایه‌ریزی پزشکی امروزی را نمی‌توان به ملت یا فرهنگ خاصی نسبت داد ولی نقش پزشکان و اندیشمندان مسلمان در پایه‌گذاری اولیه این پیشرفت‌ها غیرقابل انکار می‌باشد. پزشکی دوران اسلامی، پزشکی را از نظر کیفیت و کمیت ارتقاء بخشید و طی چند قرن، جهان آن روز را زیر نفوذ خود گرفت. شاید مهم‌ترین نقش پزشکی دوران اسلامی را بتوان ساختارمند و یکپارچه نمودن دانش پزشکی دانست.

پروفسور ادوارد براون در کتاب تاریخ پزشکی دوران اسلامی چنین نگاه‌شده است: «تحقیق در مورد طب دوران اسلامی، در حقیقت مطالعه درباره نطفه و اساس دانش جدید است و نیز فراتر از آن، این مطالعه، در باره باروری آن طبی است که متفکران جدید روز به روز توجهشان بیشتر به سوی آن جلب می‌گردد. علم طب اکنون نیز مانند گذشته در حلقه بزرگی در سیر و تحرک است و بار دیگر به همان نقطه‌ای که ایرانیان و اعراب، آن را فرا گرفته‌اند در حال نزدیک شدن می‌باشد. نام‌ها اگرچه عوض شده‌اند ولی حتی در این مورد هم تغییر، کمتر از آن است که در باورها بگنجد...» [۱].

مختصری از تاریخ پزشکی دوران اسلامی

در هنگام ظهور اسلام مکتب پزشکی جندی‌شاپور اهواز در ایران، امتزاجی از پزشکی یونانی، اسکندری، رومی، هندی و ایرانی را در خود جمع نموده بود که آن را به مکتب پزشکی اسلام انتقال داد [۲-۶]. مسلمانان نه فقط منابع و مدارک دانش یونانیان را حفظ، ترجمه و استفاده نمودند؛ بلکه با نوشتن تفاسیر و شرح و حاشیه بر آنها، متون علمی را مورد بحث قرار داده و روش علمی تجربی را در پزشکی بنیان نهادند [۷]. محورهای نهضت علمی مسلمانان عبارت بودند از [۸،۹]:

۱. ترجمه متون پزشکی
۲. شکوفایی علم پزشکی و تألیف کتب در این حیطه
۳. پیشرفت در داروسازی
۴. خدمات پزشکی همانند ساخت بیمارستان

هرچند پزشکی اسلامی همیشه بالاترین اولویت را به حفظ سلامت (پیشگیری از بیماری) می‌داد، ولی شاید ایجاد بیمارستان اوج موفقیت عملی پزشکی دوران اسلامی بود [۲]. صرفاً پزشکانی که با شرکت در آزمون‌های ویژه، مدرک پزشکی دریافت می‌کردند، مجاز به ارائه خدمات پزشکی به بیماران بودند [۱۰]. برای اولین بار در این بیمارستان‌ها سوابق بیماران ثبت می‌شد. باید بخاطر داشت که در آن عصر در جهان غرب، بیمارستان‌ها به هیچ وجه نظام‌مند و به شیوه امروزی ساخته نشده بودند. همچنین الزام آزمون پزشکی و کسب مدرک کتبی برای اشتغال به پزشکی در اروپا از قرن دوازدهم میلادی رایج گردید [۱۱].

پزشکی دوران اسلامی تا مدت‌ها جزئی اساسی از حیات فرهنگی و روزمره مسلمین بود. حتی غذاهای روزانه‌ای که مسلمین می‌خوردند عملاً با این طب مربوط بوده و هنوز هم تا حدود زیادی مربوط است. در حال حاضر این طب در سرزمین‌هایی مثل هند، طرفداران و متخصصان خاص خود را دارد. پزشکی دوران اسلامی که امروزه گاهی در هند و پاکستان پزشکی یونانی یا پزشکی ابن سینایی خوانده می‌شود، یکی از شاخه‌های مهم علوم سنتی اسلامی است که تا به امروز باقی و برقرار مانده است.

افتراق بین آبله و سرخک، تشخیص گواتر از سرطان تیروئید، تعریف علمی تب یونجه (رینیت آلرژیک)، ابداع سرم درمانی، شناسایی ترکیب شیمیایی اسید سولفوریک و الکل، استفاده از نخ بخیه و الکل برای قطع خونریزی، استفاده از الکل به عنوان ضد عفونی کننده، استفاده از اولین داروهای بیهوشی و وسایل آهنی شبیه کوتر در کنترل خونریزی‌ها، ارتقای دانش آناتومی، کاربرد اولین پروتزهای دندان‌ی گرفته شده از استخوان گاو، استفاده از کتان در پانسمان زخم‌ها، آموزش وضعیت لیتوتومی، شرح تراکتوتومی، اولین کولستومی و بسیاری دیگر، از جمله پیشرفت‌ها و نوآوری‌های پزشکان مسلمان طی دوره شکوفایی پزشکی در اسلام بوده‌اند [۹، ۱۰، ۱۵-۱۲]. در دوره طلایی امپراطوری اسلامی، دانشمندان معروف بسیاری را می‌توان نام برد که از مشهورترین پزشکان بودند؛ از جمله: علی بن ربن طبری (۲۴۷-۱۹۲ ه.ق.)،

کشفیات تازه‌ای دست می‌یافتند و حاصل این‌ها دایرة‌المعارف‌های بزرگی بود که قرن‌ها پس از آنان در دانشگاه‌های معتبر جهان از جمله اروپا تدریس می‌شد [۱۶]. مسلمین در بعضی رشته‌های پزشکی تحقیقاتی کردند که بی‌سابقه بود؛ به عنوان مثال آنها اولین کسانی بودند که تحقیقاتی اساسی راجع به جذام انجام دادند و یا، برای اولین بار فرق بین آبله و سرخک را متوجه شدند. در کتاب التصریف الزهراوی اشاره به بیش از یک صد وسیله ابتکاری شده است که با آنها به اعمال جراحی می‌پرداخته‌اند [۱۶].

رازی برای «تجربه» یا به عبارتی؛ آنچه که اکنون «پزشکی مستند» خوانده می‌شود، اهمیت و اعتبار زیادی قائل بوده است؛ به طوری که تشخیص بیماری و اعمال درمانی وی مبتنی بر تجربه بوده و به اولقب «مجرّب» داده بودند [۳]. او معتقد بود: «آنچه را که پزشکان بر آن متفق‌القول باشند و با قیاس نیز تطبیق کند و تجربه نیز آن را تأیید نماید باید پیوسته در نظر داشت» [۳]. می‌گویند وقتی خواست در بغداد بیمارستان بسازد، قطعه‌های گوشت در محله‌های مختلف شهر آویخت و جایی که کمتر در گوشت آثار فساد پدید آمده بود، آنجا بیمارستان ساخت [۱۶، ۱۷].

از قدیمی‌ترین مکتوبات بالینی برای تشخیص افتراقی بین آبله و سرخک رساله‌ای است که محمد بن زکریای رازی نوشته است. پیش از این هیچ پزشک یونانی و یا اسلامی به این نکته‌ها برنخورده بود [۱۶]. او این مطلب را در کتاب «الجدری و الحصبه» آورده است [۳، ۲]. این کتاب در سیزده فصل، یکی از کتب معتبر پزشکی دنیا در موضوع بیماری‌های واگیر می‌باشد که با کمال دقت و به شیوه تحقیق نوشته شده و چندین بار در ایتالیا، فرانسه، انگلستان، بیروت و آلمان ترجمه و منتشر شده است [۳].

رازی در مطب و بیمارستان یادداشت‌هایی روزانه را در مورد بیماران خود تنظیم می‌نموده است که به مانند گزارش‌های ارزشمندی مورد استفاده قرار گرفته است. رازی در اغلب کتب خود، ابتدا نظر دانشمندان پیشین را نقل نموده و سپس نظرات خود را بیان داشته است که این امر بیش از همه در کتاب بزرگ «الحاوی» مشاهده می‌شود. کتاب «الحاوی» یک دایرة‌المعارف کامل پزشکی تا زمان

محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ه.ق.)، علی بن عباس مجوسی اهوازی (۳۱۸-۳۸۴ ه.ق.)، شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۷ ه.ق.)، و شرف‌الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی (۴۴۳-۵۳۱ ه.ق.)، جهان چندین قرن از پیشرفت‌های بزرگی که بدست پزشکان مسلمان حاصل گردیده بود، بهره برد. اروپاییان با استفاده از این سرمایه در راه اعتلای دانش و فن گام نهادند و تجدید حیات پزشکی در اروپا بر پایه پزشکی دوران اسلامی بنا گردید [۶].

با توجه به تمدن غنی علوم پزشکی ایران و به منظور نمایاندن افتخارات ادوار مختلف تاریخی، طرح تأسیس موزه ملی تاریخ علوم پزشکی کشور توسط دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ تحت نظارت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور و با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور طی یک پروژه مشترک از سال ۱۳۷۷ آغاز شد و در سال ۱۳۸۰ به مرحله بهره‌برداری رسید. موزه ملی تاریخ پزشکی کشور^۱ دارای بخش‌های متعددی می‌باشد از جمله: بخش ابزار و ادوات مرتبط با علوم پزشکی، بخش کتب خطی و اسناد پزشکی، بخش تاریخ دامپزشکی، بخش تاریخ دندانپزشکی، دواخانه نظامی، بخش تاریخ چشم پزشکی و بخش دیرین انسان شناسی.

آموزش و پژوهش در تاریخ پزشکی دوران اسلامی

وقتی که پزشکی به دست مسلمین افتاد، تحقیق و مطالعه در آن جنبه جدی‌تر و دقیق‌تر گرفت و بجای رساله‌های کوتاه علمی، دایرة‌المعارف‌های جامع پزشکی بوسیله مسلمین تالیف شد [۱۶]. تحقیقات تجربی و مطالعات بالینی هم البته از نظر دور نماند؛ به‌ویژه در بیماری‌های منطقه‌ای و محلی. تحقیقات وسیع آنان شامل همه زمینه‌های پزشکی بود. از یک طرف در کار بهداشت تن و روان می‌کاویدند و از سوی دیگر به چگونگی عملکرد هر یک از اندام‌ها می‌پرداختند و با پشتکار در شناخت بیماری‌ها مطالعه می‌کردند و از جهتی نیز در فنون درمانی و داروسازی به

¹ <http://museum.tums.ac.ir/>

بدیعی همچون دانش نانو، فناوری های زیستی، شبیه سازی انسانی و مانند آن؛ دیگر صحبت از پزشکی قدیم جایگاهی ندارد. اما با کنکاشی در منابع کهن پزشکی، به ویژه دستاوردهای دوران تمدن اسلامی، به کنار نهادن این گنجینه ارزشمند که حاوی آموزه ها و مفاهیمی بکر و گاه بی بدیل است، نامعقول جلوه می کند. گستره شمول این پزشکی بقدری وسیع است که حتی می توان گفت چند علم گوناگون را با هم در برمی گیرد؛ این به جهت نگرش جامع آن به انسان است که نگرشی منطبق با حکمت الهی و فطرت اصلی انسان هاست. حوزه های پزشکی دوران اسلامی عبارتند از: فلسفه پزشکی سنتی، مفاهیم اصولی و بنیادی پزشکی سنتی، تاریخ پزشکی، پزشکی مکتوب (پزشکی مدون)، پزشکی عامیانه (پزشکی رایج بین مردم)، پزشکی گیاهی، روش های تشخیصی (مثل نبض شناسی)، تمامی تقسیمات رشته های مانند زنان، کودکان، جراحی (اعمال یدای)، و غیره)، دلک (همان ماساژ یا کاربوتراپی) و پزشکی پیشگیری. شاید از دلایل عمده عدم استقبال از پزشکی اسلامی، کم اطلاعی از محتویات پزشکی اسلامی، نبود مستندات پزشکی منطبق بر شواهد درمانی و نیز عدم اطلاع از نحوه تأثیر درمان و فقدان ضمانت درمانی قابل قبول باشد. بطور کلی پزشکی دوران اسلامی را شاید بتوان دربرگیرنده دو مقوله مهم دانست:

۱. پزشکی سنتی یونان، هند، ایران، چین و مانند آنها
۲. پزشکی مرتبط با اولیای الهی که بخشی از آن محکمات است (مثل عدم مصرف الکل) و برخی دیگر دستورات بهداشتی است که از معصومین علیهم السلام نقل شده است. احادیث و دستورات بهداشتی فراوانی در اسلام وجود داشته است که برخی توسط دانشمندان مسلمان به صورت کتاب هایی تنظیم گردیده اند که از مهم ترین آنها کتاب «طب النبوی» می باشد.

«طب نبوی» مجموعه ای از اقوال و اعمال و عادات پیامبر اکرم (ص) که به نحوی با سلامت و بهداشت و مراقبت از تن و طبعاً مراقبت از رابطه روح یا جان با تن، مربوط بوده است. هرچند وجود طبیبانی چون حارث بن کلدیه در بین مسلمانان صدر اسلام نشان می دهد که از همان ابتدای

رازی می باشد که در آن جمیع عقاید و نظرات اطبای سلف؛ چه یونانی، چه رومی و چه ایرانی را جمع آوری کرده و آنگاه آن را با نظرات و تجارب خود و آزمایش هایی که شخصاً در بیمارستان ها و مطب به انجام رسانده، تکمیل نموده است [۳]. این کتاب اولین بار در سال ۱۴۸۶ میلادی در ایتالیا به لاتین ترجمه شد و پس از آن نیز بطور مکرر چاپ شده است [۳]. این کتاب یقیناً تا اواخر قرن چهارم هجری جامع ترین کتاب پزشکی در تمدن اسلامی بوده است.

بزعم این که امر آموزش بیماران در دهه های اخیر در پزشکی نوین مورد تأکید قرار گرفته؛ جالب توجه است که رازی کتابی دارد که در خصوص آموزش عموم مردم در مواقع عدم دسترسی به پزشک می باشد که به نام «من لایحضره الطیب» نوشته شده و نسخه های خطی فراوانی از آن در کتابخانه های دنیا موجود است. رازی همچنین به تأیید محققین غربی اولین کسی است که استحضالات شیمیایی را در پزشکی وارد ساخته است [۱۸،۳]. هرچند تشریح انسان در آن عصر بعید است، ولی از آثار وی برمی آید که تشریح بر روی حیوانات به ویژه میمون را انجام می داده است. جمیع مورخان وی را حجت جهان پزشکی در دنیای متمدن اسلام (قبل از قرن هفده میلادی) دانسته اند؛ چنانچه برخی او را «جالینوس عرب» لقب داده اند [۳].

تجارب شخصی ابن سینا هم در «قانون» مکرراً ذکر شده است. ابن سینا پزشکی را از صورت نظری خارج و پزشکی عملی بالینی را ارتقاء بخشید. او نیز تجربه و آزمایش را در پزشکی بسیار معتبر دانسته است. شاید امروز تصور شود که نظریه بهداشت به وسیله ورزش یک تئوری جدید است در صورتی که ابن سینا در کلیات «قانون» در این باب به تفصیل و تدقیق سخن گفته است. ابن سینا ورزش را از ارکان مهم سلامت مزاج دانسته و ورزش های مختلف در سنین متفاوت را بیان نموده است. همچنین او اولین کسی است که سخن از فیزیولوژی اندام های بدن می راند [۱۶].

چگونگی رویکرد به پزشکی دوران اسلامی

سخن از تولید دانش در عصر کنونی، ممکن است برای بسیاری این نکته را به ذهن متبادر سازد که با سرفصل های

تجربی^۱ است؟؛ یا یک دانش^۲ و مجموعه‌ای از دانستنی‌های انتزاعی و غیر قابل تجربه؟». طبق تعریفی که فلاسفه و اندیشمندان از دو مقوله علم (معرفت تجربی) و دانش (آگاهی) می‌کنند، به نظر می‌رسد بخشی از پزشکی سنتی که شامل مفاهیم و اصول بنیادی و در واقع فلسفه پزشکی دوران اسلامی است همانند بسیاری از علوم، مفاهیم مجرد و غیر تجربی و غیر حسی هستند اما قسمت اعظم پزشکی دوران اسلامی طبق تعریف معرفت تجربی یا علم تجربی دقیقاً در حیطه این علوم است. به عبارتی؛ پزشکی دوران اسلامی:

۱. قابل تجربه عمومی است (تجربه حسی مستقیم، همگانی و تکرار پذیر).

۲. به دنبال فرضیه‌های و سوالات هوشمندانه و دقیق پایه گزاران و متقدمان آن حاصل شده است (ناشی از مطالعات بی برنامه و تصادفی نیست).

۳. قوانین و تئوری‌های آن قابل تفسیر هستند به عبارت دیگر تئوری‌ها و قوانین آن پدیده‌ها و امور طبیعی را توضیح و تفسیر می‌کنند. باید اذعان داشت تئوری‌های پزشکی دوران اسلامی به قدری دقیق و منطقی و بر اساس حکمت بنا شده‌اند که به عکس علم پزشکی رایج، استثنائات و موارد ناشناخته در آن بسیار نادر و محدود است.

۴. قوانین و تئوری‌های علمی پزشکی اسلامی، نظمی همیشگی و پایدار را بیان می‌کنند. به‌خوبی قابلیت توانایی پیش‌بینی مشروط پدیده‌ها را دارند و ابطال پذیرند. با این توضیح اجمالی به خوبی روشن می‌شود که علم پزشکی دوران اسلامی علمی تجربی است و دقیقاً همچون علوم تجربی دیگر باید با آن برخورد نمود. براین اساس بیان تئوری‌های پزشکی دوران اسلامی بدون کار آزمایشی‌های دقیق و منطقی روشی غیر علمی است. در کلیه علوم به ویژه علمی که ریشه در کهن دارند، مباحث و تئوری‌هایی بیان شده که اگر چه درست هستند ولی برای اثبات علمی بودن آنها نیاز به انجام روش علمی (کارآزمایی تجربی است) تا درستی آنها به شیوه علمی اثبات شده و به

تاریخ اسلام، جهان اسلام به پزشکی یونانی توجه داشته است، اما در قرون بعد پزشکی ایرانی و پزشکی هندی نیز توجه مسلمین را جلب کرده و مسلمانان بر اساس ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، ترکیب و تلفیقی از پزشکی اسلامی و پزشکی یونانی، ایرانی و هندی پدید آوردند.

باید بیان نمود که کلمه پزشکی اسلامی، واژه‌ای متداول در دوره اسلامی نیست بلکه اصطلاحی است که عمدتاً در قرن بیستم به کار برده شده است؛ چرا که در گذشته متداول بوده که اطلاعاتی را که از پیامبر یا ائمه علیه السلام گرفته بودند. با نام طب النبوی، طب الائمه یا طب الصادق

می‌نامیدند و اصطلاح پزشکی اسلامی را به کار نمی‌بردند [۱۹]. در حقیقت پزشکی اسلامی مقوله‌ای از سنخ

۲. اصطلاحاتی مانند بانکداری اسلامی و جمهوری اسلامی است. پزشکی اسلامی یک نظام اندیشه درارایه خدمات پزشکی، آموزش پزشکی، تحقیقات پزشکی و رابطه پزشک با بیمار، جامعه و محیط زیست است که از آموزه‌های

۳. اسلامی متأثر بوده، رهنمود می‌گیرد و پیشرفته‌ترین اطلاعات امروز و فردای بشر را به خدمت درمی‌آورد و این آموزه‌ها را در عدم تضاد با نظام تفکر اسلامی و همسو با آموزه‌های اسلامی جهت داده و در خدمت مردم قرار می‌دهد [۱۹]. بسیاری از اندیشمندان این حوزه، اعم از غربی یا شرقی، وقتی کلمه پزشکی اسلامی را به کار

۴. می‌برند، منظورشان پزشکی دوران تمدن اسلامی است که در شکل‌گیری پزشکی دوران تمدن اسلامی بعضی از پزشکان غیرمسلمان هم نقش داشته‌اند [۱۹]. البته اسلام در شکل‌گیری پزشکی دوران تمدن اسلامی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم نقش دارد. ما در زمینه رهنمودهای پزشکی اسلامی؛ حداقل در منابع شیعی بیش از سه هزار روایت غیرتکراری داریم [۱۹]. کتاب‌هایی که می‌شود از آن‌ها یاد کرد؛ کتاب رساله ذهبیه در قرن دوم هجری است که حضرت امام رضا (ع) نوشتند و نیز یک کتاب «طب النبوی» است که اهل سنت در قرن سوم نگاشتند [۱۹].

در اینجا یک سوال اساسی و مهم مطرح است و آن این‌که «اساساً رویکرد ما به پزشکی دوران اسلامی باید چگونه باشد؟» و این‌که «آیا پزشکی دوران اسلامی یک علم

^۱ . science

^۲ . knowledge

چهارم این‌که، بنظر می‌رسد عدم انسجام و ارتباط مناسب میان صاحب‌نظران پزشکی سنتی، مانع از شکل‌گیری کارهای گروهی مؤثر در این حیطة شده است. ایجاد شبکه‌های همکاری در حوزه پزشکی سنتی به منظور بهره‌گیری بهینه از امکانات موجود می‌تواند راهکاری مؤثر جهت رفع این معضل تلقی گردد.

از سوی دیگر، عدم تبیین تعریف دقیق از پزشکی سنتی و حوزه‌های آن برای جامعه به‌ویژه جامعه پزشکی، باعث سوءاستفاده از روش‌های غیرعلمی به اسم پزشکی سنتی می‌شود. گنجاندن مفاهیم پایه پزشکی سنتی در منابع آموزشی گروه‌های پزشکی می‌تواند به عنوان یک راهکار پیشنهاد گردد.

در حال حاضر بنظر می‌رسد عدم تمرکز و ناهماهنگی بین دستگاه‌ها و موسسات مرتبط در پزشکی سنتی ایران باعث ناکارآمدی و عدم حضور علمی این طب در عرصه دانش و علم شده که این عدم حضور ناشی از عدم توانایی این علم نیست بلکه ناشی از رویکرد نامناسب به این منبع ارزشمند علمی است. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که «آیا علم پزشکی دوران اسلامی با این توانمندی‌ها و این گستره در خور داشتن حتی یک دانشگاه که در برگیرنده تمامی وجوه رشته‌های این علم است نمی‌باشد؟».

نتیجه‌گیری

پزشکی دوران اسلامی بخشی از میراث بشریت است که ما به عنوان وارثان اصلی آن وظیفه حفظ و ثبت این میراث گرانبها و پر ارزش بشریت را دارا هستیم. به اذعان اکثر اندیشمندان جهان، شکوفایی پزشکی طی دوران تمدن اسلامی و ایرانی بنیانگذار پزشکی نوین در جهان است. البته نباید به این حقیقت با دیده‌ای متعصبانه و حتی مغرورانه نگرست بلکه باید واقع بینانه و علمی برخورد کرده و جهت اعتلای و توسعه این بخش از دانش بشری تلاش نمود.

تبیین و توصیف دقیق فلسفه و اصول پزشکی دوران اسلامی ضروری است. در حال حاضر، هرچند تلاش‌های ارزشمندی طی سال‌های اخیر شروع شده، ولی مقالات علمی برای بیان دقیق و علمی و صحیح اصول پزشکی

صورت یک حقیقت علمی و مورد قبول همگان درآید. لذا یکی از اقدامات مهم و اساسی در جهت توسعه و ترویج پزشکی دوران اسلامی نگرش علمی و انجام کار آزمایشی‌های بالینی و آزمایشگاهی در این حیطة است.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که «با توجه به ماهیت پزشکی دوران اسلامی و منشاء آن به درستی سهم ایران در تولید علم پزشکی جهان چیست؟» سوالی مهم تر این که «آیا ما می‌توانیم مولد علم باشیم یا تنها مقلد ابتکاری علم هستیم؟». تعریف دقیق پزشکی دوران اسلامی و تفکیک بخش‌های متفاوت آن و ایده‌های مختلفی که وجود دارند، نقطه شروع مهمی برای کار است. پیدا کردن دیدگاه جامع نسبت به پزشکی سنتی و سپس پرداختن به نقد آن یا بکارگیری آن، ضرورت دارد. در اینجا ضمن اشاره به برخی کاستی‌های موجود، راهکارهایی برای فائق شدن بر آنها ارائه می‌شوند.

اول این‌که، تعصب غیرعالمانه نسبت به هریک از حوزه‌های پزشکی سنتی و پزشکی جدید باعث محرومیت از معارف حوزه مقابل می‌شود. در این راستا راهکاری که می‌توان پیشنهاد نمود شامل حمایت از همکاری‌های مشترک میان اندیشمندان دو حوزه فوق می‌باشد که بی‌شک می‌تواند باعث فروریختن دیوار بدبینی شود.

نکته دوم اینکه، تقدس دادن به مفاهیم و دانش پزشکی سنتی به نحوی که مانع انجام آزمون جهت نفی و اثبات شود، می‌تواند مانع ورود پزشکی سنتی به مجامع علمی روز گردد. به عنوان راهکار می‌توان پرهیز از خلط موضوع با بهره‌گیری از واژه‌هایی چون پزشکی دوران اسلامی به جای پزشکی اسلامی و عدم بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای اثبات و پیشبرد مفاهیم پزشکی سنتی؛ به‌ویژه در بخش غیرمحکّمات را ذکر کرد.

سومین مسأله این است که عدم بهره‌گیری از روش‌های علمی روز دنیا جهت پژوهش و آموزش پزشکی سنتی مانع ورود این مفاهیم در مجامع علمی و باورهای جامعه پزشکی می‌شود. لذا در حد امکان بهره‌گیری از شیوه‌های رایج علمی موجود در آموزش و پژوهش پزشکی سنتی توصیه می‌شود.

تاسیس مرکزی که بتواند تمامی وجوه و جنبه‌های پزشکی سنتی را دربر گرفته و به پژوهش‌های دقیق و کاربردی و معتبر علمی در این علم پرداخته و از آن مهمتر کنترل کیفیت موسسات و یا پژوهش‌های علمی پراکنده در کشور (چه در جنبه تئوری و چه در جنبه عملی) را بر عهده داشته باشد، ضرورت دارد؛ لذا اخیراً تاسیس دانشکده پزشکی سنتی توسط هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران تصویب شد و اقدامات بعدی برای استقرار این دانشکده و برنامه ریزی‌های آموزشی مرتبط به مرحله اجرا در خواهند آمد. هدف اصلی، کشف، شناخت، ثبت، مستند کردن، تحقیق و کار آمدن کردن پزشکی سنتی؛ بازیابی منابع غیر مکتوب پزشکی کهن و روزآمد کردن آنها و تقدیر و استفاده بهینه از وجود اساتید گرانقدر این علم می‌باشد.

در هر دوره ای از تاریخ، ملتی پیشتاز و پرچمدار دانش بشری در جهان بوده است. امید که نوبت بعدی پرچمداری علم و اخلاق متعلق به اندیشمندان مسلمان کشورمان باشد. یکی از مجلات معتبر جهان در یکی از شماره‌های خود [۲۰]، با اشاره به پیشرفت‌های علمی ایران طی سال‌های اخیر، امکان ظهور مجدد تحقیقات طراز اول علمی در کشورمان را دور از انتظار ندانسته است.

سنتی با زبان علمی امروز بسیار محدود است. نباید فراموش کرد که با وجود منابع علمی معتبر پزشکی سنتی، برای کارآمد کردن آن نیاز به شرح و تفسیر این منابع به زبان علمی روز است. تحقیقات و پژوهش‌های منطبق بر علم تجربی (دانش امروزی) بصورت دانشگاهی و گسترده جهت برآورد علمی و عملی تئوری‌ها و مباحث مطرح شده در پزشکی دوران اسلامی باید انجام گیرد. شناسایی پتانسیل‌ها و توان‌مندی منحصر به فرد پزشکی دوران اسلامی (به عنوان منبع تولید دانش در جهان) فقط توسط تحقیقات دقیق و کارشناسی مقذور است.

نباید فراموش کرد که عملکرد نادرست و غیر علمی می‌تواند بیش از عمل نکردن به پیکره این علم ضربه وارد کند و با توجه به احتیاط و انضباط و دقت و تاملی که «سخن گفتن علمی» نیاز دارد باید قدم‌هایمان سنجیده و درست برداشته شود تا مبادا تلاشمان نتیجه‌ای مغایر با هدفمان داشته باشد. بر مبنای آن حدیث نبوی که فرمودند: «طیب تا آگاهی کامل از پزشکی نداشته باشد نباید در امور پزشکی مداخله کند و اگر مداخله نماید بدون علم و آگاهی، نسبت به سرنوشت بیمار مسئول و ضامن است؛» باید از دخالت و سوءاستفاده افرادی که دانش کافی در حیطه پزشکی دوران اسلامی ندارند جلوگیری شود.

مآخذ

۱. حاتمی، حسین. سیری در پزشکی نیاکان (مجموعه مقالات)، چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ ۱۳۸۲، ص ۱-۴۵.
2. Conrad LI. Arab – Islamic medicine. In: Bynum WF, Porter R (editors). *Companion encyclopedia of the history of medicine*. Volume 1, First edition. London. Routledge. 1993, p. 676-7.
۳. نجم آبادی، محمود. *تاریخ طب در ایران*. جلد دوم: پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول). چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۶، ص: ۶۳۰-۳۱۰.
۴. براون، ادوارد. *تاریخ طب اسلامی*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ ششم، ۱۳۸۳، ص ۶۷-۹۹.
5. Simon J. *Men and medicine in the Middle East*, First edition. Switzerland. The Who Regional

- Office for the Eastern Mediterranean, 1967, p.35-35.
۶. امامی میبدی، محمدعلی. جایگاه آناتومی از دیدگاه متفکران مسلمان. *فصلنامه مشکوه* ۱۳۷۳، شماره ۴۳. نسخه الکترونیک، (دسترسی: ۲۵ فروردین ۱۳۸۷): <http://hawzah.net/Per/Magazine/me/043/me04305.asp>
 ۷. نفیسی، ابوتراب. *تاریخ اخلاق پزشکی*، چاپ اول. اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۹۸-۱۲۸.
 ۸. مرتضی عاملی، سید جعفر. *آداب طب و پزشکی در اسلام با مختصری از تاریخ طب*. ترجمه لطیف راشدی با همکاری حسین برزگری بافقی. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. نسخه الکترونیک، (دسترسی: ۲۵ فروردین ۱۳۸۷): <http://www.golha.net/sabzevar/ketab/motafaregheh.htm>

۹. لاریجانی، باقر؛ زاهدی، فرزانه؛ امامی رضوی، سیدحسین. تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران. فصلنامه دیابت و لیپید ایران ۱۳۸۵؛ دوره ۶ (شماره ۲): ۱۱۳-۱۲۴.
10. Syed IB. Islamic medicine: 1000 years ahead of its times. *Journal of the International Society for the History of Islamic Medicine* 2002; 2: 2-9.
11. Loewy EH. *Textbook of medical ethics*, First edition. New York: plenum Medical Book company, 1989, p.1-14.
۱۲. الگود، سیریل. تاریخ پزشکی ایران، از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴، ترجمه: محسن جاودان. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۵۲، صفحات ۴۲-۱۶، ۲۶۶-۲۱۱، ۴۳۳-۳۷۹.
13. Abouleish E. Contributions of Islam to medicine. In Athar SH (editor). *Islamic medicine*. <http://www.islam-usa.com/im3.html> (Updated: 13 April 2008).
14. Duffin J. *History of medicine: A scandalously short introduction*, 2nd edition. Toronto: University of Toronto Press, 2001, p. 219, 246,279,307,310.
۱۵. تاج بخش، حسن. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد دوم: دوران اسلامی. چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۳۶-۲۸۳.
۱۶. هاشمی، سیدحسین. سیری اجمالی در کارنامه طب اسلامی. مجله ره‌آورد دانش ۱۳۷۶؛ سال اول (شماره ۳): ۳۷-۴۲.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین. کارنامه اسلام، چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸، ص ۲۱-۶۰.
18. Campbell D. *Arabian medicine and its influence in the Middle Ages*, First edition. London: Ams Press, 1926.
۱۹. اصفهانی، محمد مهدی. طب اسلامی به مثابه یک تفکر (مصاحبه از فرشته فرخی). مجله درمانگر ۱۳۸۶؛ سال ۴ (شماره ۱۳). نسخه الکترونیک، (دسترسی: ۲۵ فروردین ۱۳۸۷): www.darmanonline.com/Fa/Default.aspx?content=Magazine&articleID=215
20. Editorial. Iran's long march. *Nature* 2005; 435: 247-8.

Archive of SID